

**MARVEL**  
**35**  
LGY#735

AARON  
GARRÓN  
KEITH

EARTH'S MIGHTIEST HEROES

# THE AVENGERS

THE AGE OF  
**KHONSHU**  
PART THREE



دورنام  
dornname.ir

## یک میلیون سال پیش

بدون اون شب های  
ما بطرز وحشتناکی  
تاریک می شدند.

وضعیت هوا خشن  
و وحشی می شد.

آب ها از حرکت  
می ایستادند.

بدون توجه هر  
شب او به ما و  
نزدیک شدن  
وسوسه انگیزش به  
ما، شاید هرگز  
نمی توانستیم به  
ماورای جو زمین  
برویم.

هرگز به دنیایی دیگر  
قدم نمی گذاشتیم.

اکثر مردم در این مورد هیچ  
نمی دانند. ولی من که می دانم  
متنفرم از اینکه به آن اقرار کنم.

که بدون وجود  
ارباب ماه، ما همه  
گمراه شده بودیم.



چون تمام وقت با ما بود.  
تمام وقت ما.

با همه ما مثل  
مشت خودش  
برخورد می کرد.

همیشه در حال طرح نقشه بود تا  
شبی به سرخی خون فرا برسد که  
در آن احترام و علاقه ای که  
مدت ها در انتظارش بود...

خدایان به داد ما  
برسند. آن شب  
فرارسیده.

# زمان حال شهر تبس جدید. جزیره منهن سابق

من اونجا  
بودم... وقتی سلسنبال  
سقوط کرد.

اون که که  
مردم. همون که  
چند منهنش زمین  
نازه منولد شده رو  
فاسد کرد.

از جاگاه  
رفیع خودم در آسمان  
شب شاهد ان  
شروع بودم.

همانطور که  
شاهد زلزلت شهاب سنگ  
استاربرد برای سوزاندن زمین  
و زمان و هر آنچه در ان  
زنده بود، بودم.

و اهلک  
از گارد انجمن نزول  
کرده اند که دلخوشی به  
سناپش پس از آنده ها  
ان روپداد هستند.

و من  
همیشه بودم.  
تا به آرامش شما  
را از میان شب به سمت  
نکاملی که از کف دادم  
بودم راهنما باشم.

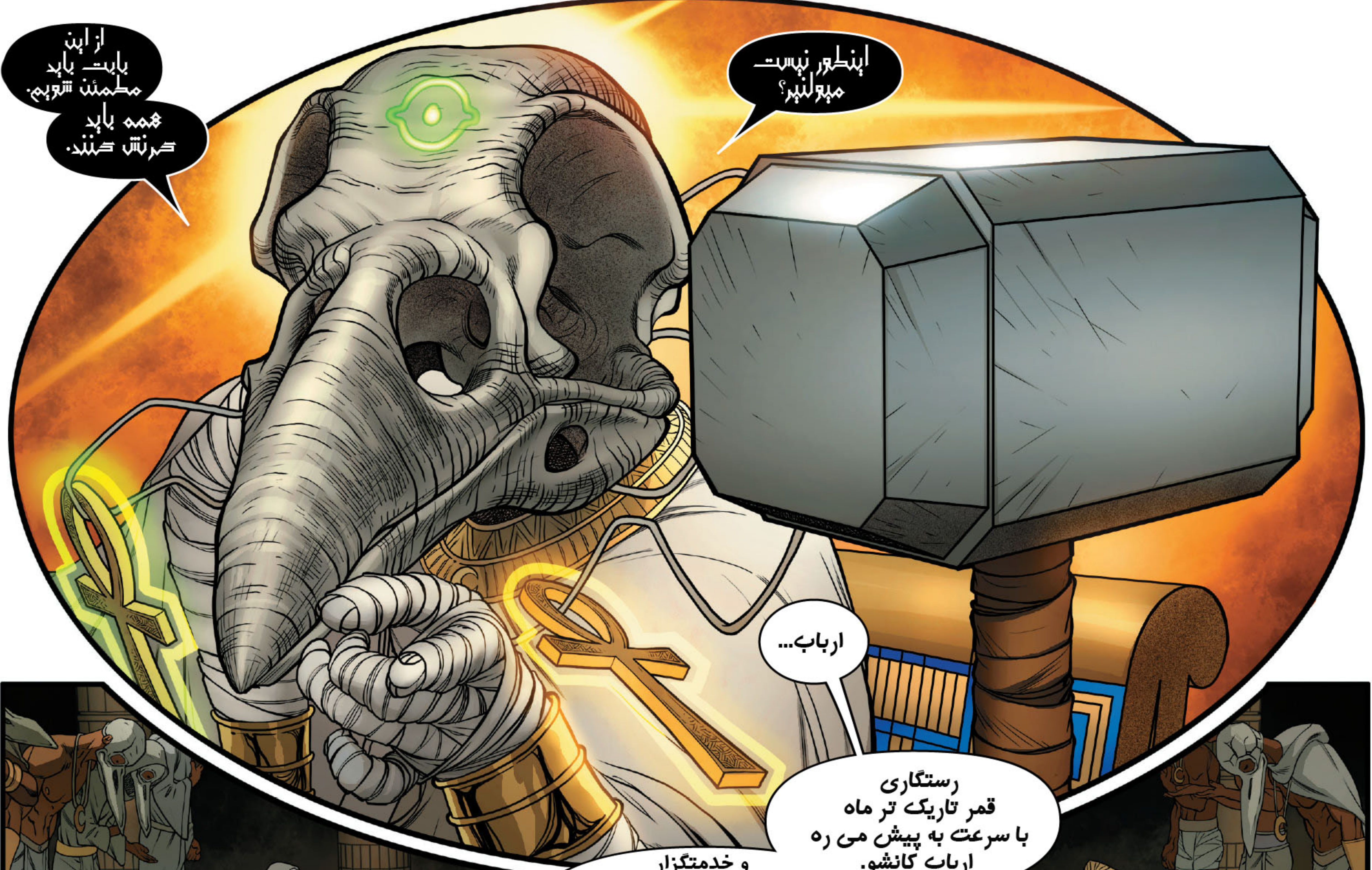
ولک وقتی قدرت هاک  
ماقبل تاریخ جهان برای  
اولین بار متحد شدند، این  
کار را... بدون کانترو  
انجام دادند.

گویا ارباب  
ماه جنگ ارزش  
نوجه آنها را هم  
نداشتم است.

جنگ مطمئن  
نپسندم... که الان مرا به  
حساب می آورند.

از این  
بابت باید  
مکمنن شویم.  
همه باید  
گرنش کنند.

اینطور نیست  
مبولنهر؟



ارباب...

رستگاری  
قمر تاریک تر ماه  
با سرعت به پیش می ره  
ارباب کانشو.

و خدمتگزار  
بی مقدار شما باید با کمال  
شرمندگی به عرض برسونه که  
پیش روی استحکامات... آرام تر  
از حد پیش بینی پیش  
می ره.

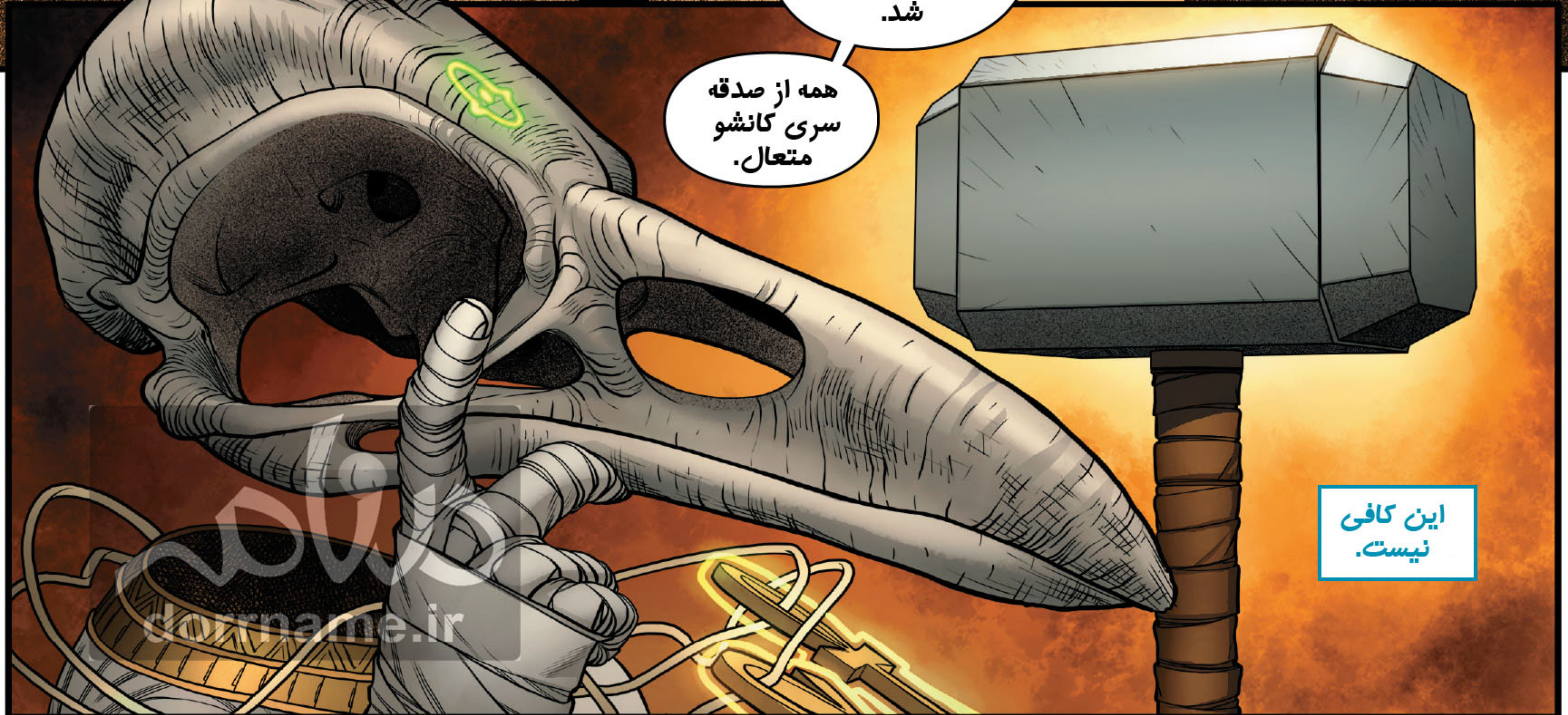
مقاومت زیادی  
در واشنگتن دی سی  
مسکو، کراکوا و در زیر  
دریها در جریانه.



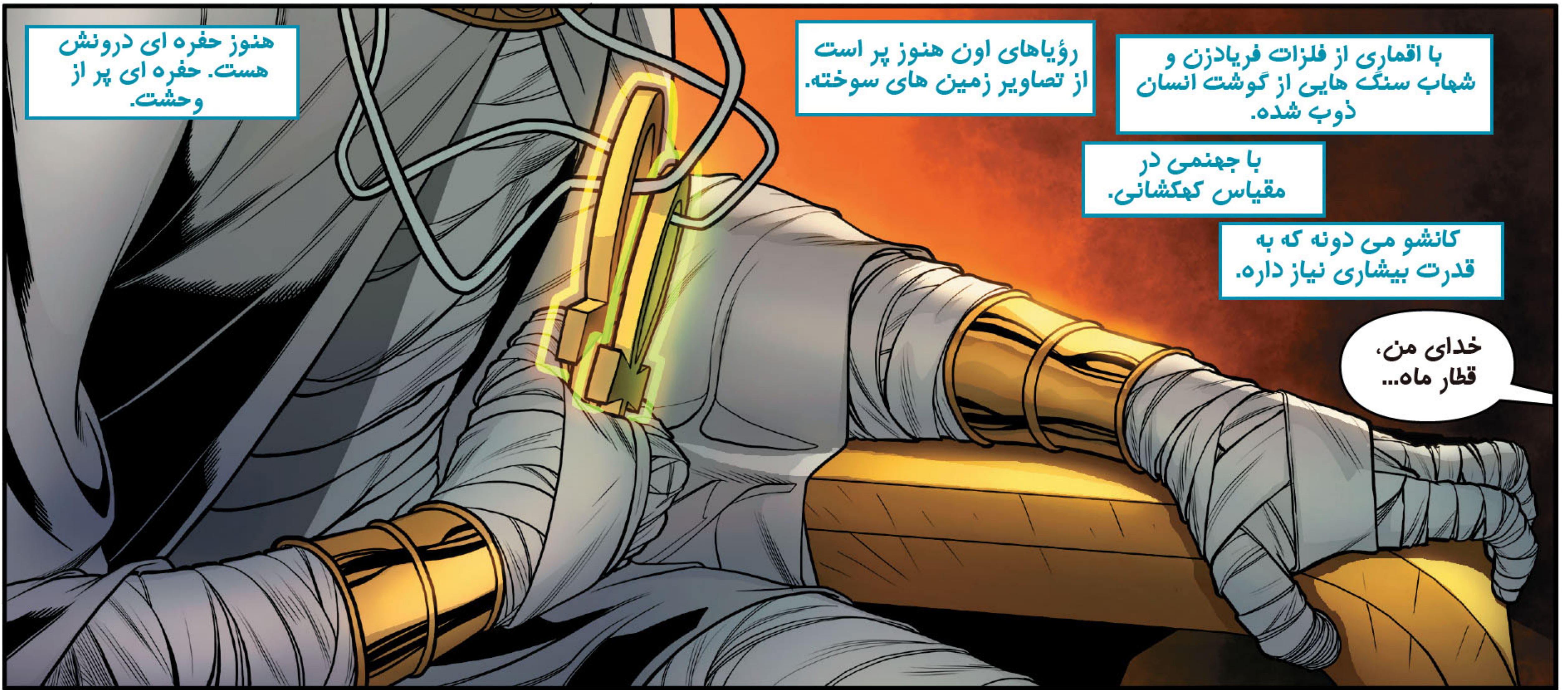
ولی هر ساعت  
مردان مومیایی شده بیشتری  
از قلمروهای ماورا، احضای می شوند و  
اهرام بیشتری با قدرت ماه در نقاط  
استراتژیک زمین بنا می شن.

جهان از  
آن شما خواهد  
بود ای درستکار. جهان  
نجات داده خواهد  
شد.

همه از صدقه  
سری کانشو  
منتعال.



این کافی  
نیست.



هنوز حفره ای درونش هست. حفره ای پر از وحشت.

رؤیاهای اون هنوز پر است از تصاویر زمین های سوخته.

با اقماری از فلزات فریادزن و شهاب سنگ هایی از گوشت انسان ذوب شده.

با جهنمی در مقیاس کهکشانی.

کانشو می دونه که به قدرت بیشاری نیاز داره.

خدای من، قطار ماه...



به همه اون نیاز داره.

قطار ماه امشب حرکت می کنه. با بار ویژه ای که ما براش آماده کردیم. برای فریب دادن آخرین رگه های مقاومت که در پایتخت باقی مونده.

با کمک مشت شما، ما امیدواریم...

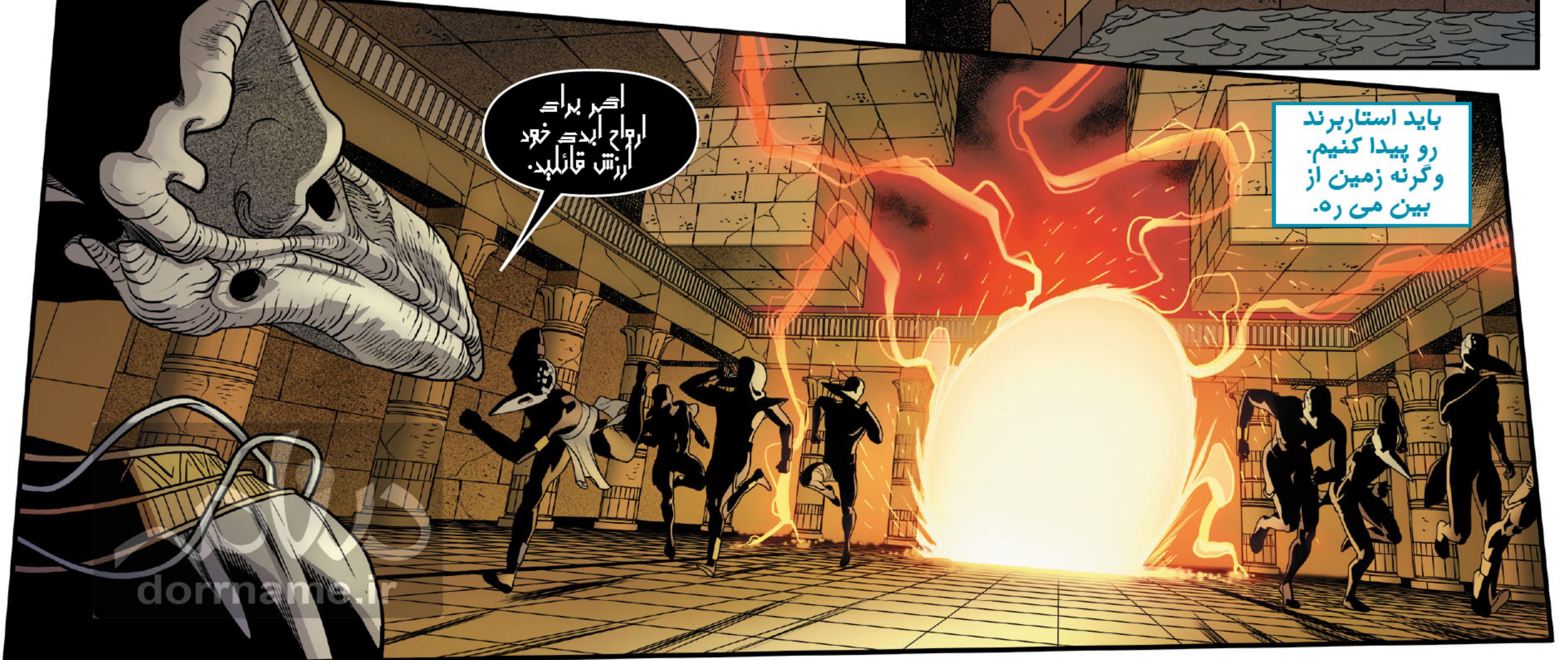
مشت ما مورپت خود شتر داره...



پلنگ مقاومت می کنه. فینیکس ماورای دسترس ما پرواز می کنه. استاربرند جدید کلید حل معماست.

سرورم؟

پلنگ



اگر پلنگ ارواح ابدی خود ارتش قاتلید.

باید استاربرند رو پیدا کنیم. وگرنه زمین از بین می ره.



و جهنم همه را  
تسخیر خواهد کرد.

چون  
شیطان آمد.

کانشو!

تو به  
جرم نابخشودنی قتل  
مغیستو متهم هستی!

و برای همین  
باید بهای نهایی  
رو پردازی...



شنیدم که اون اومد در حالیکه  
به دست تفنگ هایی داشت که  
گلوله های گوگردی شلیک می کرد  
که ارواح رو هم سوراخ می کردند.

...اونم  
بدست  
مغیستو!

شیطانی سرخ چهره با  
سنگریزه های آتشین در  
شکم که بی شک از هر جهنمی  
که از آن آمده بود میلیاردها  
نفر را با تفنگ هایش از پا  
در آورده بود.

کانشو می دانست که او تنها  
یکی از افرادی است که به او  
سر خواهند زد. قرار بود بسیاری  
از آدمکشان کیهانی بیایند.

عصر کانشو تازه شروع شده بود.  
یک میلیون سال برای آن وقت  
صرف شده بود و خدای ماه  
نمی خواست شاهد سقوط آن باشد.

نه برای یه  
میلیون سال دیگه.

ما مراقب  
قطار هستیم.  
آماده باشید.

می دونیم  
هدف های ما در  
دستر سند. تا چه  
حد دقیق؟

بخاطر  
"حس خون آشامی"  
چون می تونم بوشونو  
بفهمم.

اوه، گرفتم.  
پس تو هم دماغت  
مثل ولورین کار  
می کنه بلید؟

بانو، هیچ  
چیز من کانادایی  
نیست.

انتقام جویان  
تمرکز کنید. این یه  
جنگه پارتیزانیه. زمان  
برامون همه چیزه.

بوی کلی  
مومیایی به مشام  
می رسه. تو اون قطاره هستند  
کاپیتان. می دونیم که احتمال  
داره یه تله باشه، درست؟

امیدوارم.  
تله ها همیشه  
بهترین طعمه ها  
رو دارند.

جن،  
تو موقعیتی؟

تقریباً.  
یه لحظه صبر  
کن.

فکرهای  
عصبانی کننده  
بکن. سیاست. وام  
دانشجویی.



**RRRRRGGGH!!!**

در  
موقعیتم!



مریدان  
کانشوا!

هر کی  
می خواد از قطار  
پیاده بشه، ایستگاه  
همینجاست!



به نظر می رسه آماده اند در راه سرورشون بمیرند.

زنده اند بلید. زخم کار ساز بر نمی دارند.

یه دوره دیگه ولی همون @\$% قذیمی. همیشه یه عده احمق ماسک به چهره فکر می کنند اگه پوتینشون روی گردن ما باشه، بهمون لطف کردند.



کی می خواهید فکر کنید که کشتی میرای قذیمی دنیا داره به سمت پیشرفت می ره؟

فقط گاهی اوقات نیاز به یه دست برای همیاری هست، همین.



می دونی از چی تو خوشم میاد راجرز؟ برای اولین بار من مسن ترین فرد گروه نیستم.

واکن بعدی! بزن بریم!

پس خودتو برسون!



dorname.ir

FWWOWWWW



راست  
می گی؟ چطور  
قراره اوضاع دوباره  
بهنتر بشه!؟

ر!!!! اگتگتگتگت!!!



قوی  
باشید!

ما تا پایان  
در راه پدرمون  
کانشو  
می جنگیم!

مهم نیست  
چی از اون در  
وارد می شه!



ما  
انتقام جویانیم.

و شما باید  
دوباره این چند  
لحظه باقیمانده از عمرتون  
بدقت فکر کنید.



حرکت  
هوشمندانه ای  
بود پسرا.

خودشوندند.  
تابوت های  
مجسمه ای.

بازشون کن.

این  
آیرون فیسته.

استرنج!  
پاشو!

انگار تو  
کما هستنند.



رابی هم بیهوشه.  
حداقل زنده است.

باید اونها  
رو از بخش محاصره  
خارج کنیم و به درمانگاه  
مک کارتی پیش دکتر  
جین فاستر ببریم.

کسی اثری  
از ثور  
می بینه؟



اینجا نیست.  
تو آسمون دفن  
شده.

رابی!؟

و کارشون  
هنوز تموم نشده.  
می تونم حس کنم.  
...شکار.

از اینجا  
می پریمت بیرون.  
تو ضعیف شدی و  
داری هذیون می گی.

مون نایت  
فقط ماشین منو  
ندزدید...



یه جورایی  
روح انتقام رو...  
دزدیده...

”و حالا اون دیوونه  
داره ارزش استفاده  
می کنه.“

این کاملاً  
غلطه.

می دونم.  
از چیزهایی که می شنوم،  
مون نایت همیشه عجیب بوده.  
ولی نمی فهمم چرا اینطوری به  
همه پشت کرده.

چی. نه.  
مون نایت؟

من هیچوقت به کسی  
که اینقدر لباس سفید  
می پوشه اعتماد نمی کنم.

ولی من اصلاً  
منظورم این نیست.

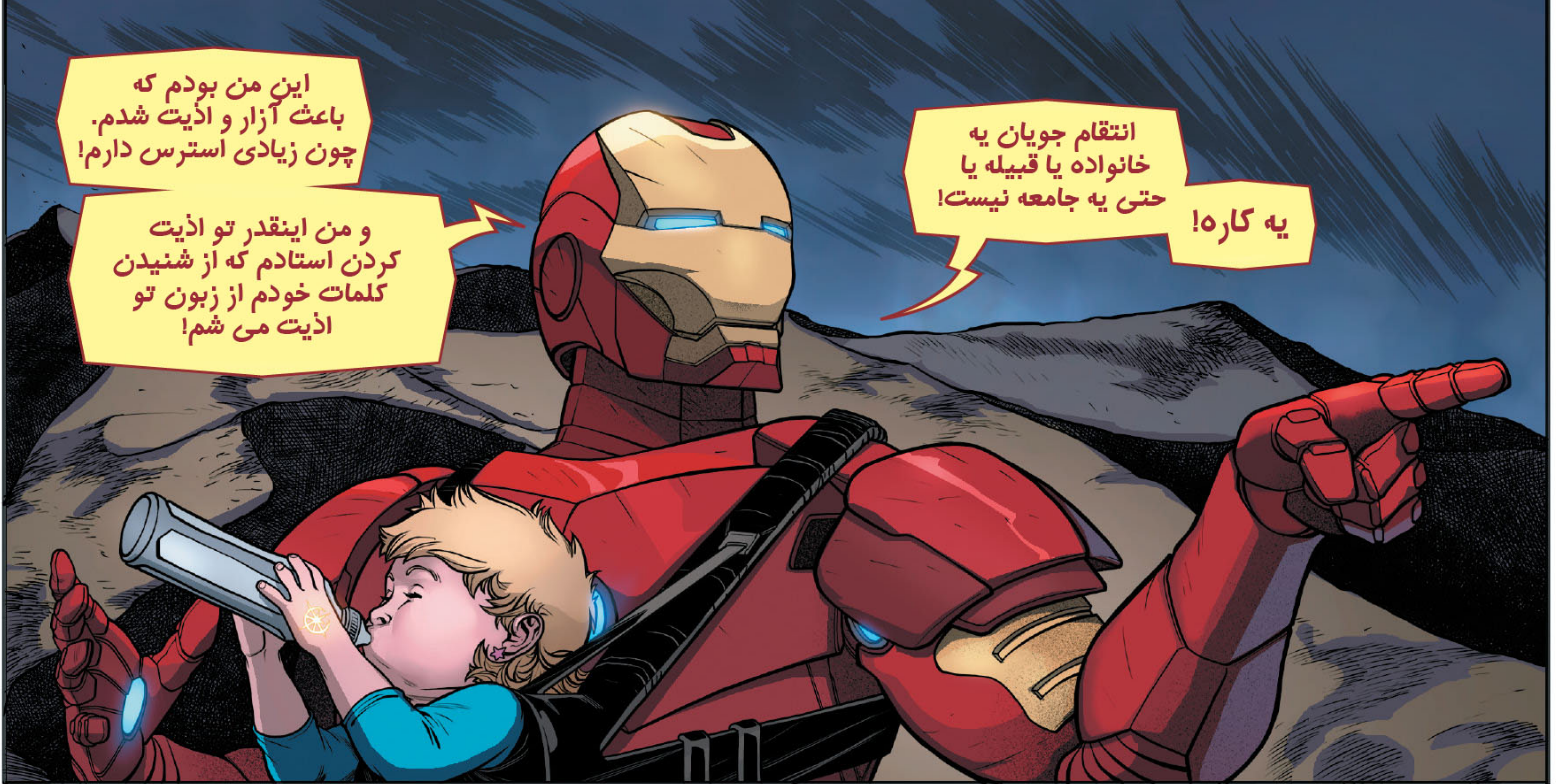
ما نباید  
بچه دار بشیم!

چه رسد به  
یه بچه ای که  
یه ابرسلاح!

یعنی... ما  
الان چی هستیم؟  
مردان ایکس؟

یعنی این موضوع  
دقیقاً چیزی نبود که تو  
جنگ با فینیکس سرش  
اختلاف داشتیم؟

هی، این تو  
بودی که گفتی  
ما یه خانواده ایم.



این من بودم که باعث آزار و اذیت شدم. چون زیادی استرس دارم!

و من اینقدر تو اذیت کردن استادم که از شنیدن کلمات خودم از زبون تو اذیت می شم!

یه کاره! انتقام جویان یه خانواده یا قبیله یا حتی یه جامعه نیست!



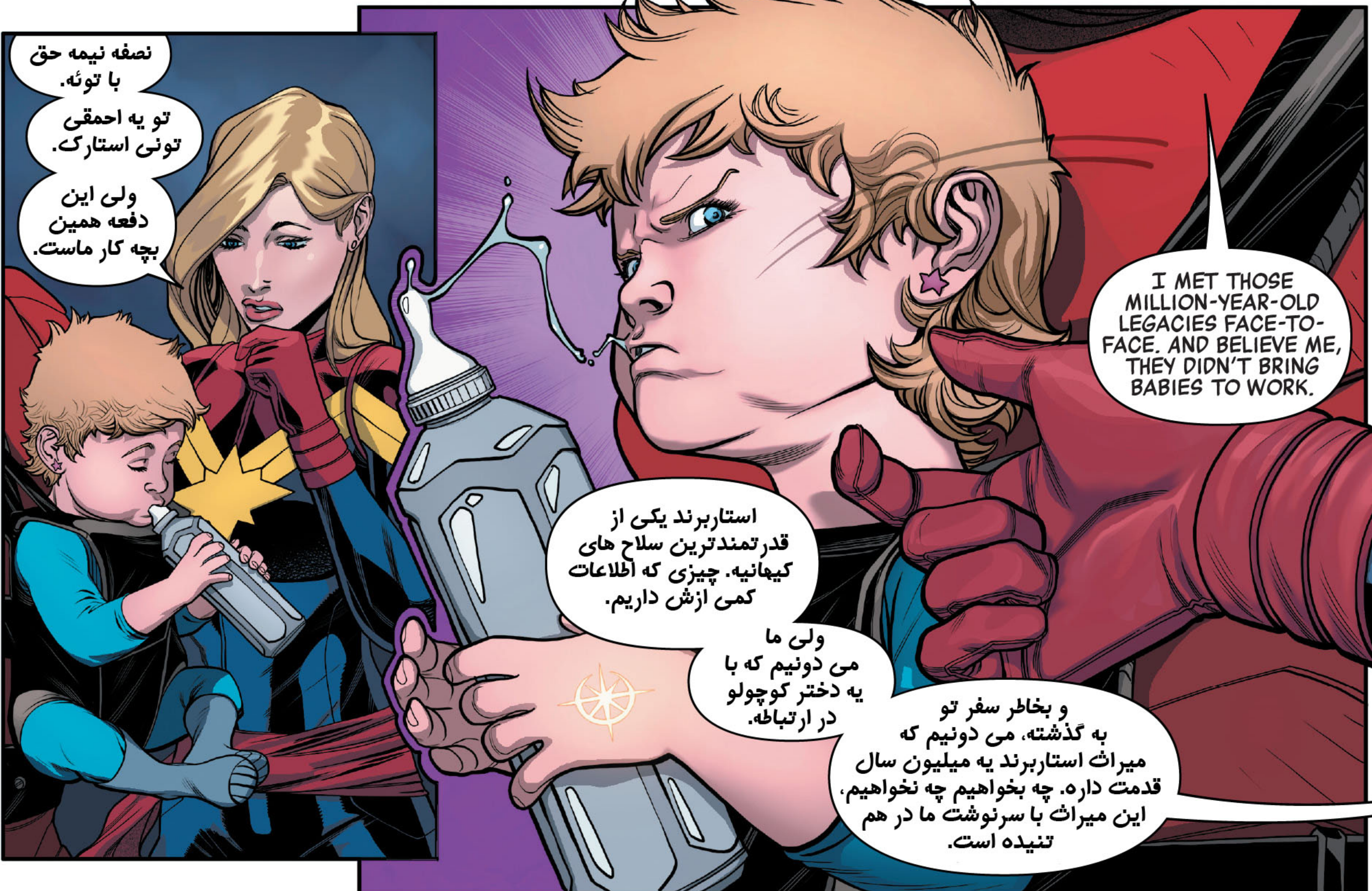
برای یه بار هم که شده با هم هم نظیریم تونی.

خدای من. نظر موافق تو حتی بیشتر منو به وحشت میندازه.

این یه کاره. سطح بالاترین کار تو کل سیاره. این کار به نجات سیاره ارتباط پیدا می کنه.

آره؟ اونوقت کی یه بچه رو میاره سر همچین کاری؟ کی یه بچه استاربرند رو با خودش همه جا می بره؟

احمق هایی مثل ما. درسته.



نصفه نیمه حق با تونه.

تو یه احمقی تونی استارک.

ولی این دفعه همین بچه کار ماست.

I MET THOSE MILLION-YEAR-OLD LEGACIES FACE-TO-FACE. AND BELIEVE ME, THEY DIDN'T BRING BABIES TO WORK.

استاربرند یکی از قدرتمندترین سلاح های کیهانیه. چیزی که اطلاعات کمی ازش داریم.

ولی ما می دونیم که با یه دختر کوچولو در ارتباطه.

و بخاطر سفر تو به گذشته، می دونیم که میراث استاربرند یه میلیون سال قدمت داره. چه بخوایم چه نخوایم، این میراث با سرنوشت ما در هم تنیده است.



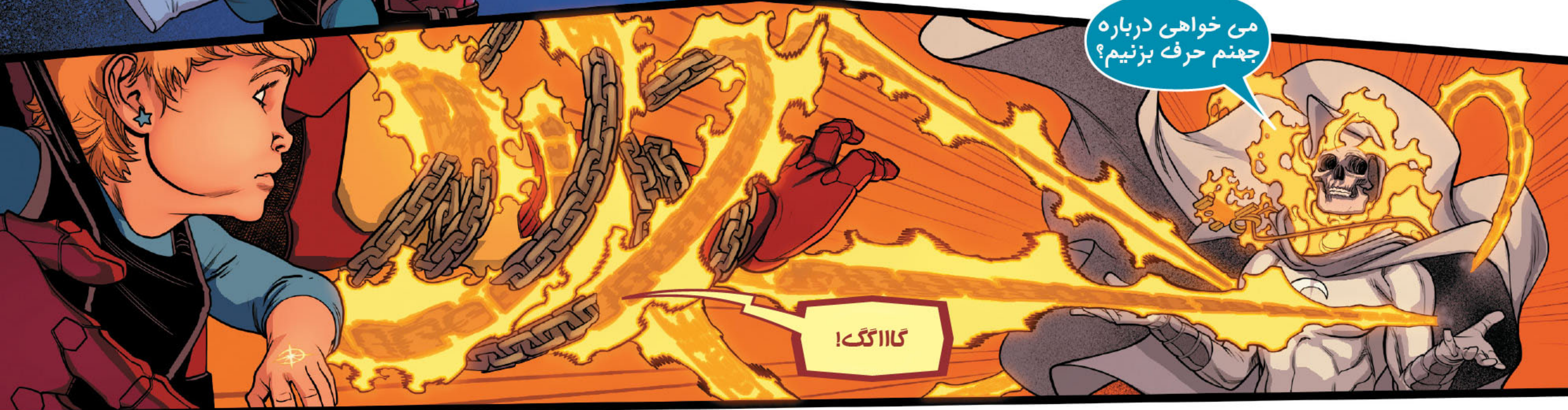


بچه رو  
بده به من  
استارک.  
تنج راه  
تموم کردنش  
همینه.

رفیق، همین الان دوست منو  
انداختی تو صندوق عقب ماشینی که  
یه پورتاله به جهنم! لیاقت تو برای  
سرپرستی این بچه از منم کمتره!  
تسلیم شو!



جهنم؟



منی خواهی درباره  
جهنم حرف بزنییم؟

کایاااگه!

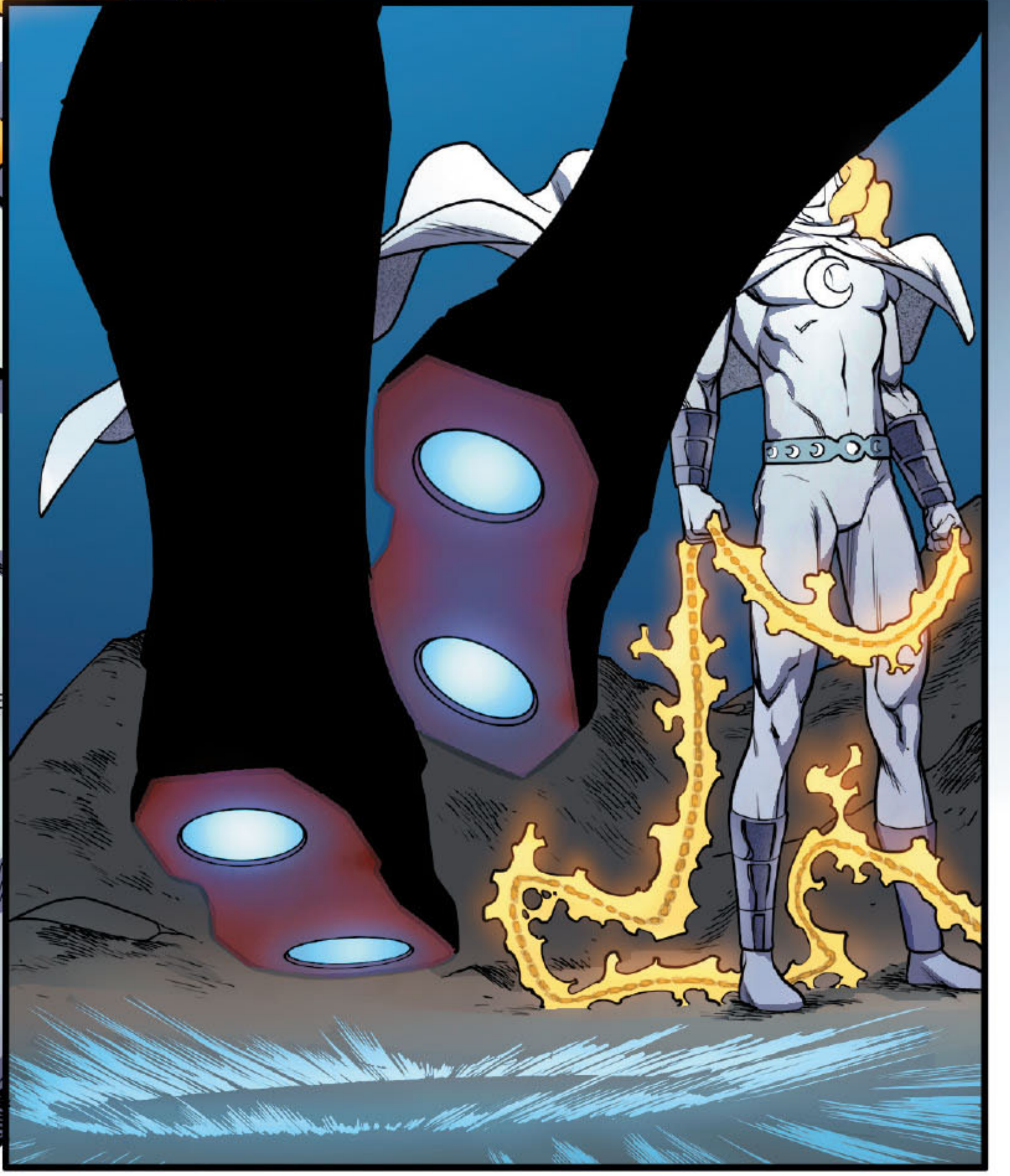
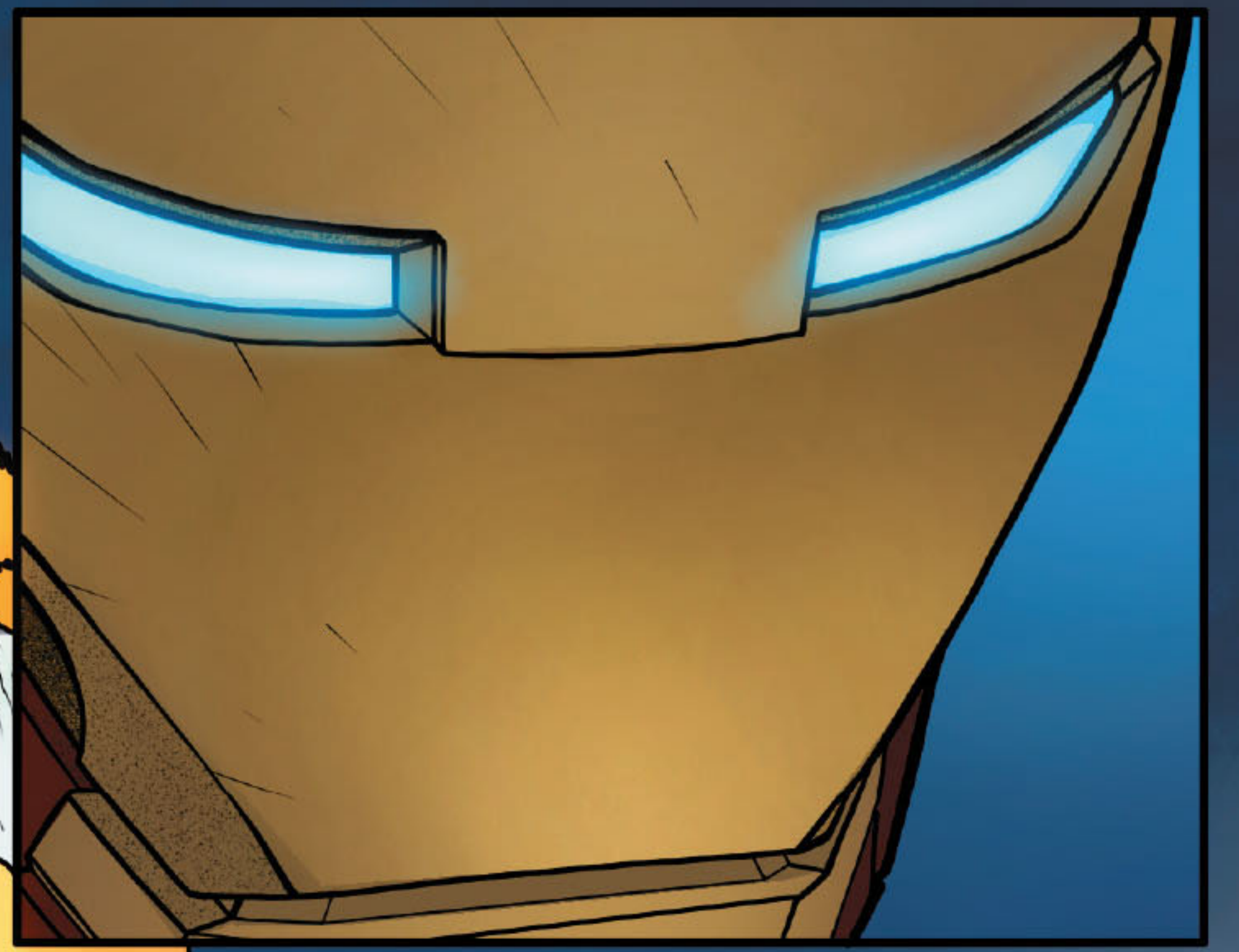




جهنم چیزیه  
که اگه کاری رو که  
شروع کردم تموم  
نکنم، می شه.

تمام سلاح ها  
آماده! شلیک  
برای کشتن!

اگه بذاریم  
مقیستو برنده  
بشه.



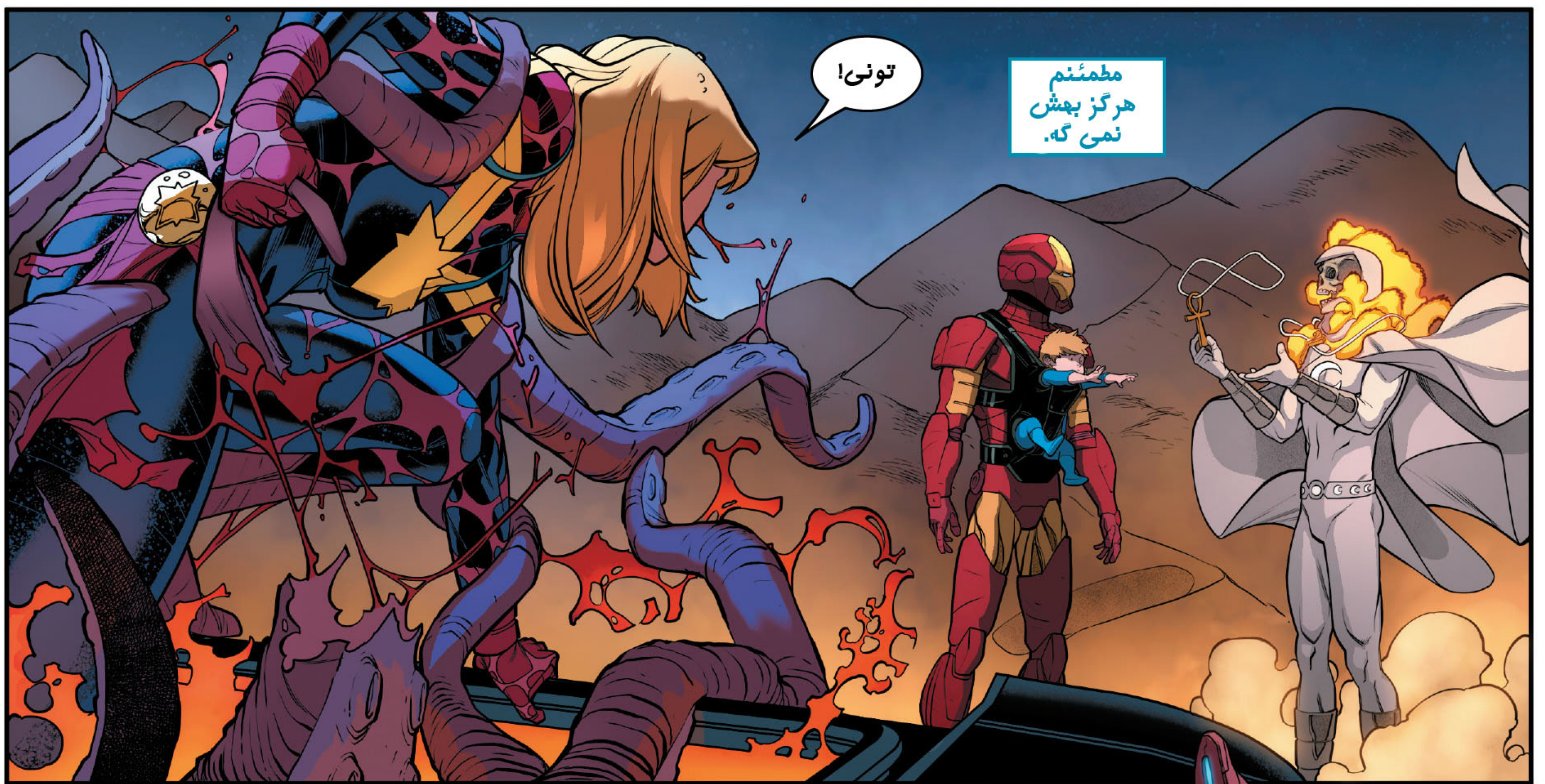
الان چه  
غلطی کردی؟



KKRANK

گرر گنگ!





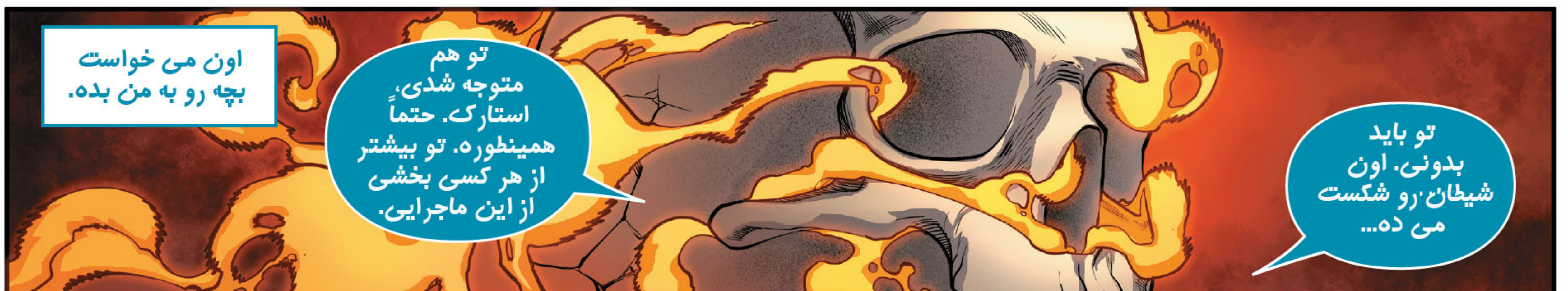
تونن!

مطمئنم هرگز بهش نمی‌گه.



کارول؟ صبر کن...

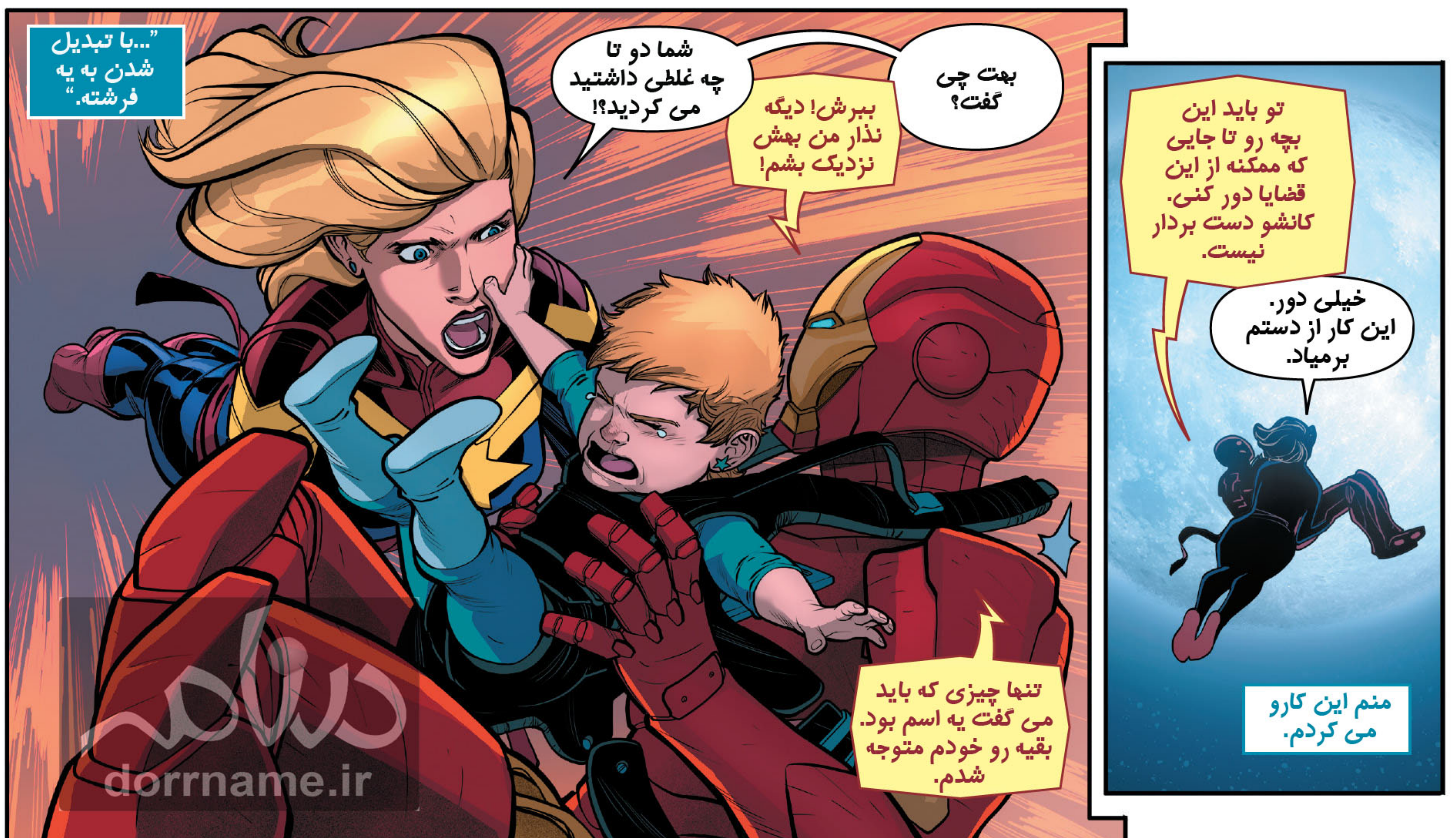
چیزی که من تو چشمهای بچه دیدم. قبل از اینکه اون با این سرعت وارد بشه.



اون می‌خواست بچه رو به من بده.

تو هم متوجه شدی، استارک. حتما همینطور. تو بیشتر از هر کسی بخشی از این ماجرای.

تو باید بدونی. اون شیطان رو شکست می‌ده...



"...با تبدیل شدن به یه فرشته."

شما دو تا چه غلطی داشتید می‌کردید؟!!

ببرش! دیگه نذار من بهش نزدیک بشم!

بعت چی گفت؟

تو باید این بچه رو تا جایی که ممکنه از این قضایا دور کنی. کانشو دست بردار نیست.

خیلی دور. این کار از دستم برمیاد.

تنها چیزی که باید می‌گفت یه اسم بود. بقیه رو خودم متوجه شدم.

منم این کارو می‌کردم.



از همه  
مفیستوها.

کالاها!  
من به قدرت بهشتی  
نہا دارم. اسرار پرند. پلنگ.  
نہا راه ہمہنہ. نہا  
راہ پرک...

کانشوا!

من خوشحالم مردانی در  
این دنیا هستند که از  
من بهترند.

خوشحالم انتقام جویان  
وجود دارند.

امیدوارم موفق  
شده باشم راه رو  
نشونشون بدم.

تو چشمهای  
من نگاه کن خدای  
ماه! و من بہت قول  
می دم!

یکی از ما  
باید امروز اینجا  
بشکنه!

و اون یکی  
بلک پنتر  
نخواهد بود!

ادامه دارد...

MARVEL

35

LGY#735

AARON  
GARRÓN  
KEITH

EARTH'S MIGHTIEST HEROES

THE

# AVENGERS

THE AGE OF  
**KHONSHU**  
PART THREE

دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی